

نام فاسیولیازیس (بیماری انگلی کبدی نشخوارکنندگان) در برخی از زبان‌ها و گویش‌های ایرانی*

علی اسلامی (استاد انگل‌شناسی دانشگاه تهران)

محسن مشکات (مشاور سازمان دام‌پزشکی ایران)

۱. مقدمه

فاسیولیازیس یکی از ۲۲ بیماری انگلی نشخوارکنندگان ایران است (اسلامی و همکاران ۱۳۷۸). چرخه این انگل غیرمستقیم است و میزبان واسط آن حلزون‌های آبی هستند. تخم این انگل همراه با مدفوع حیوان آلوده به خارج می‌رسد و در محیط آبی، نوزاد تشکیل می‌شود. این نوزاد از تخم خارج می‌شود، شنا می‌کند و وارد بدن حلزون می‌شود و پس از طی مراحل مختلف، نوزاد کامل تشکیل می‌شود. نوزاد کامل شده از بدن حلزون خارج می‌شود و روی گیاهان اطراف آب می‌چسبد و کیستی را تشکیل می‌دهد که میزبان نهایی با خوردن آن آلوده می‌شود. بعد از خورده شدن کیست توسط میزبان اصلی، نوزاد در دستگاه گوارش کامل می‌شود، از کیست خارج و در ابتدای روده باریک از راه محوطه شکمی وارد

۱. از سرکار خانم دکتر الهام هوشمند راد، استادیار انگل‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، برای بازبینی این مقاله بسیار سپاسگزاریم.

کبد می‌شود و باعث ایجاد بیماری می‌شود (اسلامی ۱۳۸۷).

روستائیان و دامداران ایران معمولاً با زبان‌ها و گویش‌های خاص منطقه خود در مورد بیماری‌های عفونی حیوانات از جمله فاسیولیازیس صحبت می‌کنند. عدم ضبط و ثبت این اسامی محلی باعث فراموشی و نابودی آنها خواهد شد. هدف این پژوهش، جمع‌آوری، ضبط و ثبت اسامی محلی فاسیولیازیس نشخوارکنندگان در مناطق متفاوت ایران است.

۲. روش پژوهش

بخشی از پژوهش کنونی در دهه چهل شمسی (۱۳۴۲-۱۳۴۸) در پروژه‌ای در سطح ملی با عنوان «اپیدمیولوژی و اهمیت آلودگی کرمی لوله گوارش نشخوارکنندگان کوچک ایران» با همکاری کارشناسان سازمان کشاورزی و مواد غذایی فائو و همکاران ایرانی انجام گرفت. انجام این پروژه، مستلزم مسافرت‌های متعدد به روستاهای نواحی گوناگون ایران بود. اتفاق میمونی بود که در این دوره در محضر دامداران، گله‌داران و چوپانان، از اسامی محلی بیماری‌های عفونی گوسفند و بز مطلع شدیم و طی ارتباط و گفت‌وگوی نزدیک با آنان این اسامی را جمع‌آوری و ثبت کردیم. برای تکمیل این بررسی، در دهه هشتاد با همکاری سازمان دام‌پزشکی، پرسش‌نامه‌ای در مورد بیماری‌های عفونی نشخوارکنندگان تهیه شد که در آن نام گویشور، تاریخ و ناحیه جغرافیایی و نام گویش مربوط به بیماری گنجانده شده بود و سازمان دام‌پزشکی آن را به ادارات کل دام‌پزشکی همه استان‌ها ارسال کرد. این پرسش‌نامه‌ها پس از تکمیل به گروه انگل‌شناسی دانشکده دام‌پزشکی عودت داده شد.

۳. نتایج و بحث

روستائیان معمولاً درباره بیماری‌های مهم، شایع و شناخته‌شده از اسامی محلی که توسط پدران آنها نام‌گذاری شده و سال‌ها سینه‌به‌سینه منتقل شده است، استفاده می‌کنند. نتایج حاصل از تحقیق در مورد نام بیماری فاسیولیازیس در بین دامداران و روستائیان مناطق گوناگون ایران در جدول زیر آورده شده است.

اسامی بیماری فاسیولیاژیس نشخوارکنندگان ایران در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی

استان	گویش	آوانگاری	استان	گویش	آوانگاری	
آذربایجان شرقی	پاپوله	pāpule	بوشهر	جگنی	jagani	
	پرپوله	perpule		جگی	jagi	
	پیولز	pyulez		کپنک	kapanak	
	کپلک	kapalak		کوشک	kowšak	
	کپنک	kapanak		کوچک	kowčak	
	کوچک	kowčak		کپلک	kapalak	
آذربایجان غربی	پاپولا	pāpulā	چهار محال و بختیاری	کرم جیر	kerm-e jiyar	
	پاپوله	pāpule		کوچک	kowčak	
	پرپوله	perpule	خراسان جنوبی	کوشک	kowšek	
	په پوله	pepule		سه برگه	sebarge	
	کپلک	kapalak		کپلک	kapalak	
	کپله	kapale		گُوچک	kowčak	
	کپنک	kapanak		برگ بید	barg-e bid	
	کپنه	kapana		جگر ریز	jegar-riz	
	اردبیل	جگر قوردی	jegar-ğurdi	خراسان رضوی	کپلک	kapalak
		کپلک	kapalak		کرم برگ‌گی بزرگ	kerm-e bargi-e bozorg
کپله		kapale	کفچک		kafček	
کپنک		kapanak	کرم جگر		kerm-e jegar	
کپنک قوردی		kapanak-ğurdi	کپلک		kapalak	
کپنه		kapana	کرم جگری		kerm-e jegari	
سر آوردن		sar āvardan	کرم جیگر		kerm-e jigar	
اصفهان	کپلک	kapalak	خراسان شمالی	کوچک	kowčak	
	کپنک	kapanak		مالکی	māleki	
	کوچک	kowčak		برگ کناری	berg-e kenāri	
	مرانه	merāne		فدونیل	fedonil	
	پینک	pink		فشه	feše	

استان	گویش	آوانگاری	استان	گویش	آوانگاری	
ایلام	کرشک	kerešk	خوزستان	گچه	gače	
	البرز	kušk		کپلک	kapalak	
	تهران	کوشک برگی		kušk-e bergi	کپلک	kapalak
		کیسه		kisle	کپنک	kapanak
		ماری		māri	کرم جگر سیاه	kerm-e jegar-e siyāh
		ماروی جگنی		māro-ye jagani	مالیک	mālik
		مرانه		merāne		
بنه‌نیست	bene-niyet	مازندران	کپلک	kapalak		
زالو	zālu		مارلک	mārlek		
کاتور	kātur		مالکی	māleki		
کنار	kenār		جگرعیبی	jegar-eibi		
کتو	kannu		جگروک	jegaruk		
سیستان و بلوچستان	مالیک	mālik	کرم جقر	kerm-e jeġar		
	کپلک	kapalak	کرم ریزوک	kerm-e rizuk		
فارس	کمچک	kamčak	لرستان	کپلک	kapalak	
	کوچک	kowčak		مرانه	merāne	
	کیسه	kisile		کپلک	kapalak	
قزوین	گچه	gače	کمچک	kamčak		
	گوگ	gug	کندو	kandu		
قم	آچیک	āčik	گلستان	کپلک	kapalak	
	پرکنارک	parkenārak		کوچک	kowčak	
کردستان	زبانک	zabānak	پارپوله	pārpule		
	زالوی کبد	zālu-ye kabad	پپونه	pepune		
	سیاوجه	siyā-veje	کاپانک	kāpānak		
	کپلک	kapalak	کپلک	kapalak		
	مالیک	mālik	کیسه	kisle		
	آجیکه	ājike	جگرریزک	jigar-rizak		
اجیک	ajik	جگنو	jaganu			
آچیک	ačik	سوزرک	suzrak			

استان	گویش	آوانگاری	استان	گویش	آوانگاری
کرمان	تتله کلم	tatale-kelm	گیلان	کخ جگر	kox-jegar
	جگره سیا	jegara-siyā		کرم جگر	kerm-e jegar
	جیگره مرض	jigara-maraz		کلک	kalak
	خشی	xaši		کوچک	kowčak
	زالو	zālu		کوچکو	kowčku
	کپلک	kapalak		کپلک	kapalak
	کندو	kondu		کیچک	kičak
	کنده	konde		کیسیله	kisile
	کھیگیلویه	کھیلاور		سر آوردن	sar āvardan
	و بویراحمد	گیلاور		کرم جگر	kerm-e jegar
کرمانشاه	لیلافه	lilāfa	کوچک	kowčak	
	لیلاوه	lilāva	کپلک	kapalak	
	نهنگ	nahang	کفچک	kafčak	
	نی ینگ	niyang	کمچک	kamčak	
	نیلوا	nilvā	کوچک	kowčak	
	مرکزی	کپلک	kapalak	توک	tuk
		پاپیله	pāpile	جگر ریشک	jegar-rišak
		دنبه گرچه	donbe-garče	جگرو	jegaru
		قورد	ğurd	جگن	jegan
		قوردآخ	ğurdāx	خال جگر	xāl-e jegar
کپلک		kapalak	دوروی	duruy	
کپله		kapale	سر	sar	
کیسیله		kisile	سرنیزه	sarneyze	
گچه		gače	کرم جفقی	kerm-e jeğari	
گواناس		gownās	کله پرولک	kale-porolak	
هرمزگان	کپلک	kapalak	کوچک	kowčak	
	کفچک	kafčak	مهاز	mahāz	
	کوچک	kowčak	هرزج	harzaj	
	کیچیک	kičik	هفت پا	haft-pā	
			هفت نوزی	haft-nozi	
زنجان	کپلک	kapalak	یزد	کوچک	kowčak
	پاپیله	pāpile		مهاز	mahāz
	دنبه گرچه	donbe-garče		هرزج	harzaj
	قورد	ğurd		هفت پا	haft-pā
	قوردآخ	ğurdāx		هفت نوزی	haft-nozi
همدان	کپلک	kapalak	یزد	کوچک	kowčak
	کپله	kapale		مهاز	mahāz
	کیسیله	kisile		هرزج	harzaj
	گچه	gače		هفت پا	haft-pā
	گواناس	gownās		هفت نوزی	haft-nozi
	کپلک	kapalak		کوچک	kowčak
	کفچک	kafčak		مهاز	mahāz
	کوچک	kowčak		هرزج	harzaj
	کیچیک	kičik		هفت پا	haft-pā
				هفت نوزی	haft-nozi

در کل در ۳۱ استان کشور مجموعاً ۱۶۸ نام محلی برای بیماری فاسیولیازیس یا کرم فاسیولا ثبت شد که در این میان استان گیلان با ۱۸ مورد، بیشترین و استان‌های البرز و زنجان با یک مورد کمترین اسامی را به خود اختصاص دادند. برخی از اسامی در چندین استان مشترک هستند و نکته قابل تأمل این است که نام «کپلک» تقریباً در تمامی استان‌ها رایج است.

در ایران داده‌های گویشی زیادی در مورد موضوع‌های متفاوت از گنجینه گویش‌های ایرانی منتشر شده است، ولی در مورد پزشکی و دام‌پزشکی، داده‌های گویش‌های چاپ‌شده در ایران بسیار کمیاب است. برای مثال «بررسی واژه‌های دام و دامداری در گویش کله‌ری» (ملکی ۱۳۸۳)، «واژگان دام‌پزشکی (شایق ۱۳۸۸)» و «اسامی محلی بعضی داروها، بیمارهای دامی و درمان سنتی منطقه آذرشهر» (جعفرزاده ۱۳۹۰) چاپ شده است و مقاله‌هایی نیز در مورد هیداتیدوزیس (اسلامی ۱۳۹۳)، نام‌های محلی بیماری دیکروسلیازیس (اسلامی ۱۳۹۴)، اسامی محلی جرب در مناطق مختلف ایران (اسلامی و هوشمند ۱۳۹۵) و گویش‌های بیماری‌های انگلی نشخوارکنندگان استان سمنان (اسلامی ۱۳۹۵) منتشر شده است.

روستائیان کشور که در حال حاضر یک‌چهارم جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، مسئول پرورش هشت میلیون و چهارصد هزار رأس انواع گاو و گاو‌میش، ۶۸ میلیون رأس گوسفند و بز و نزدیک به دویست هزار نفر شتر هستند (معاونت امور تولیدات دامی ۱۳۹۴). متأسفانه، جمعیت روستائیان کشور، کم‌وبیش مانند سایر نقاط دنیا، در حال کاهش است. براساس آمار سال ۱۳۳۵، جمعیت ایران شامل ۶۶٪ روستائی (۱۲ میلیون نفر) و ۳۴٪ (۶ میلیون نفر) شهری بوده است. ولی در سال ۱۳۸۵، این آمار دچار تغییر شدیدی شده است و از جمعیت ۷۰ میلیونی کشور، ۶۸٪ شهری و ۳۲٪ روستائی بوده‌اند. طبق گزارش مرکز آمار ایران و براساس سرشماری عمومی نفوس سال ۱۳۹۰، جمعیت روستائی کشور به ۲۹٪ رسیده است و این نسبت در سرشماری سال ۱۳۹۵، به ۲۵/۹٪ رسیده است (مرکز آمار ایران). مقایسه این آمار درحقیقت به صدا درآمدن زنگ خطری است که بیانگر این حقیقت است که جمعیت روستائیان کشور که تولیدکننده عمده مواد غذایی انسان و حیوانات و همچنین کاربران و پاسداران گویش‌های محلی هستند رو به کاهش گذاشته است و به تدریج با فاصله گرفتن آنها از فضای روستا، کشاورزی و

دامپروری این واژه‌ها و اصطلاحات به دست فراموشی سپرده خواهند شد و روزی خواهد آمد که نسل‌های بعد از این گنجینه ناب هیچ سهمی نخواهند داشت.

منابع

- اسلامی، علی، ۱۳۸۷، کرم‌شناسی دام‌پزشکی، جلد اول: ترماتودها، تهران.
- _____، ۱۳۹۳، «اسامی محلی بیماری هیداتیدوزیس نشخوارکنندگان ایران در برخی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی»، مجله تحقیقات آزمایشگاهی دام‌پزشکی، ش ۶، ص ۸۷-۹۱.
- _____، ۱۳۹۴، «نام‌های بیماری دیکروسلیازیس در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی»، مجله نسخه دام‌پزشکی.
- _____، ۱۳۹۵، «اسامی بیماری‌های انگلی نشخوارکنندگان استان سمنان در برخی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی»، مجله تحقیقات آزمایشگاهی دام‌پزشکی، ش ۶، ص ۵-۹.
- اسلامی، علی و همکاران، ۱۳۷۸، چشم‌انداز آینده کنترل بیماری‌های عفونی گزارش شده از نشخوارکنندگان و مشترک با انسان در ایران، طرح تحقیقاتی مصوب گروه علوم دام‌پزشکی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران اسلامی.
- اسلامی، علی و هوشمند، الهام، ۱۳۹۵، «اسامی بیماری جرب نشخوارکنندگان ایران در برخی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی»، دو فصلنامه زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی دانشگاه شیراز، ش ۱، ص ۷۳-۸۵.
- جعفرزاده، ۱۳۹۰، «اسامی محلی بعضی داروها، بیماری‌های دامی و درمان سنتی منطقه آذرشهر»، مجله نظام دام‌پزشکی، ش ۲۱.
- شایق، جلال، ۱۳۸۸، واژگان دام‌پزشکی در فرهنگ بومی آذربایجان، شبستر.
مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵، www.amar.org.ir
- معاونت امور تولیدات دامی، ۱۳۹۴، www.dla.agri-jahad.ir
- ملکی، ناصر، ۱۳۸۷، «بررسی واژه‌های دام و دامداری در گویش کله‌ری»، گویش‌شناسی، ش ۳، ص ۵۷-۶۳.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی